

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشعار لاهوتی قطعه ها و منظومه ها
فرستنده : جاوید
۱۷ نومبر ۲۰۱۸

وفا به عهد

اردوی ستم خسته و عاجز شد و برگشت
برگشت ، نه با میل خود ، از حمله احرار
ره باز شد و گندم و آذوقه به خروار
هی وارد تبریز شد از هر در و هر دشت
از خوردن اسب و علف و برگ درختان
فارغ چو شد آن ملت با عزم و اراده
آزاده زنی ، بر سر یک قبر ستاده
با دیده ای از اشک پر و دامنی از نان:
لختی سرپا دوخته بر قبر ، همی چشم
بی جنبش و بی حرف ، چو یک هیکل پولاد
بنهاد پس از دامن خود آن زن آزاد
نان را به سر قبر ، چو شیری شده در خشم
در سنگر خود شد چو به خون جسم توغلان
تاظن نبیری آنکه وفادار نبودم
فرزند ، به جان تو ، بسی سعی نمودم
روح تو گواه است که بوئی بُد از نان
مجروح و گرسنه ، ز جهان دیده بیستی
من عهد نمودم که اگر نان به کف آرم
اول به سر قبر عزیز تو بیارم
بر خیز که نان بخشمت و جان بسپارم

تشویش مکن، فتح نمودیم، پسر جان!
اینک به تو: هم مژده آزادی و هم نان
و آن شیر، حاللت که بخوردیم ز پستان
مزد تو، که جان دادی و پیمان شکستی

تهران، دسمبر ۱۹۰۹ - سال ۱۲۸۸

* به استناد نوشته ایرج اوکثائی، ظاهراً اولین نمونه شعر نو است. که سالها قبل از نیما سروده شده